



www.memar-24.ir

«معمار منهای بیست و چهار»، روزنامه الکترونیکی در زمینه معماری و شهر است که تحت نظارت پژوهشکده نظر منتشر می‌شود. این پایگاه در زمینه‌های هنری، علمی- فرهنگی- اجتماعی و گرایش‌های تخصصی مرتبط با معماری و شهر فعالیت می‌کند. هیئت تحریریه این روزنامه معماری با کمتر از ۲۴ سال سن هستند که در دانشگاه‌های مختلف ایران مشغول به تحصیل اند و یا فارغ‌التحصیل شده‌اند. «معمار منهای بیست و چهار» در حال حاضر با مشارکت ۸ دانشگاه شامل: دانشگاه‌های تهران، شهیدبهشتی، آزاد واحد تهران - مرکز، علم و صنعت، کاشان، آزاد واحد تهران - جنوب، سوره، شریعتی، بابل و ارومیه فعالیت می‌کند.

این نوشته خلاصه‌ای از بحث‌های آزاد «معمار منهای بیست و چهار» است که در جلسات هفتگی آنها برگزار می‌شود. تنظیم: مریم منصوری.

از کی الگوبگیریم؟

میزگرد با حضور:

احسان مسعود / مریم منصوری / لیلا نیکتام / نظری زاده / علی لطفی

احسان: جو دانشجویی اینطوریه دیگه؛ آدم به همه می‌پره که هیچی بلد نیستن. حالا که نوبت خودمون شده چی؟! به نظر من این مسیر، آخرش، یه معمار تأثیرگذار نیست. **ندا:** ما جز درس و کار چاره دیگری نداریم برای آینده. در ضمن با درس خوندن توی این دانشگاه‌ها هم چیز زیادی بهمون اضافه نمی‌شه. اگه ۱سال درسمو بذارم به جاش به نقاط ضعیف (اسکیس، مبانی نظری، جامعه‌شناسی و...) بپردازم خیلی مفیدتره. شناخت نقاط ضعف و تکمیل اونها راه بهتریه از مدام دانش اضافه کردن به خود.

مریم: به نظر من الان مشکل اصلی، بی هدف بودن ماست. **علی:** من دوست دارم در ۴۰ سال اول زندگیم یک کار درست‌حسابی انجام بدم. یه خونه طراحی کنم و عین طراحی خودمو با روش خودم بسازم. فکر می‌کنید «خانه‌آبشار» چرا اینقدر معروف شد؟! فقط به خاطر این که در شیوه خودش اول بود. اولین خانه‌آرگانیک بود.

مریم: همه اینها درستیه. اما یه چیزی کم داره. ما در کنار همه این کارها باید یه «کارگاه پرورش انسان» داشته باشیم. یه جریانی که به سال‌بیینی‌ها و جوان‌ترها فکر کردن رو یاد بده. این کار نه هزینه‌ای داره، نه به پشتیبانی خیلی‌مجهزی نیاز داره. وظیفه ماست الان که خودمون به این مشکلات خوردیم، حداقل بی تجربه‌ترها رو از افتادن توی دام این روزمرگی و بی‌هدفی نجات بدیم. بهشون فکر کردن و خلاقیت رو یاد بدیم که به فکر تقلید از ایده‌های قبلی نباشن.

احسان: این بحث همون «معمار تأثیرگذار»ه که اول مطرح شد. همه این نکاتی که گفتیم «آسیبه». اما مسئله اصلی دغدغه تأثیرگذاریه. وقتی با بچه‌هایی که رفتن (خارج) صحبت می‌کنیم، می‌بینیم اون دغدغه رفته، دیگه نیست. **علی:** توی محیط کار که می‌ری دیگه چون بحث پول و کارفرما می‌شه همه چیز اجباریه. یعنی باید در کنار پول، فکر ارتقاء رو هم بکنی. دیدگاه معمار ۲۴- البته این نیست. **احسان:** بله، دقیقاً موضوع همینیه. اینو هرگز یادمون نره.

ندارن. اونا می‌رن برای خودشون کارفرماهای خصوصی و پولدار پیدا می‌کنن و تک‌بناهای خاص طراحی می‌کنن. پروژه هاشون هیچ وقت کاربری‌های عمومی جامعه نیست. همش یه سری ویلا توی لواسانات و شمال و ... **ندا:** بزرگترهای معماری ایران فقط حرف می‌زنن. تازه اگه حرف بزنن. همش نشستن در موضع قدرت و ایراد می‌گیرن و نقد می‌کنن. تا جایی که توی دانشگاه‌ها تقریباً ما (معماری‌ها) رو قبول ندارن. برای معماری‌ها در جایگاه مهندسی جایی وجود نداره. بین هنری‌ها هم که می‌ریم حوزه مشخص خودمون رو نداریم. اصلاً معلوم نیست وضعمون چیه. این «بزرگان» هم با کنار کشیدن خودشون، کار رو برای ما سخت‌تر کردن.

علی: بحث برمی‌گرده به خود ما؛ نوع «Present» کردنمون. شما «علیزاده» رو می‌شناسید؟! شاید جز بهترین معمارهای معاصر ایران باشه. اما هیچ کس اسمش رو هم نشنیده. زیباترین و عجیب‌ترین خانه‌ای که من تا امروز دیدم، طراحی اون بوده. پلان اون خونه رو بردم سر کلاس‌های مختلف. اما هر کدوم از استادها دیدن از اول و آخرش ایراد گرفتن که "تو هیچی از مبانی نظری معماری سرت نمی‌شه!". به نظر من «مبانی نظری معماری» سلیقه است. خانه طباطبایی‌ها در زمان خودش حرف اول رو می‌زد. اما الان دوره اون گذشته. ما پیشرفت کردیم؛ عوض شدیم و من قبول ندارم که می‌گن «ما درجا می‌زنیم».

احسان (به لیلا): شما به عنوان فارغ‌التحصیل برنامه‌ات چیه؟ **لیلا:** مشکلی که ما داریم اینه که معماری کارشناسی شده. همین الان داریم می‌گیم حدید با این عظمت اش رفته نشسته کفش عروس می‌کشه. ما اشل طراحی‌مون اشتباهه. ما تا وقتی بلد نباشیم یه صندلی درست بکشیم، نمی‌تونیم یه خونه بکشیم. من خودم ۳-۴ ساله کار حرفه‌ای می‌کنم، اما کافی نیست. الان می‌خوام شاخه‌های فلسفه و روان-شناسی رو مطالعه کنم. به نظر من اینکه ما یه سال کار حرفه‌ای بکنیم یا دوسال فرقی نمی‌کنه، چون همه اندوخته‌مون توی همون سال اوله. بیشتر که بشه خیلی چیزها رو حتی از دست می‌دی.

احسان: کلاً معماری معاصر ما به چه سمتی پیش می‌ره؟ ممکنه توی دنیا، همین خبری باشه که اینجا هست، اما من خودمونو می‌گم. خیلی روی سطح حرکت می‌کنیم. نمادش همین جایزه معماره؛ مثلاً معماری معاصر ماست. غیر از اون طرح سازه مابمو که یه استراکچر اضافه داره، بقیه کارها کلاً معماری نیست، گرافیکه. حرف از «concept» هست، اما در نهایت به دنبال همون «fashion» هستیم. توی هر جمع معماری معاصر حرف میریزن می‌شه، اما یادمون رفته که اون خودش درگیر این fashion‌ها نبوده، کارهای جدید کرده.

علی: برعکس حرف تو، چیزی می‌خوندم که امسال پروژه‌های ارائه‌شده برای جایزه میریزن خیلی خوب و متفاوت بودن و پیشرفت داشتن. از لحاظ فلسفی ما توی هر زمانی بایستیم، تو خودتو مرکز جهان می‌بینی و بقیه رو پس رفته. اما در حقیقت اینطوری نیست. همواره یه پیشرفتی هست. حالا مسئله اینه که چاره کار کنیم که خوب بشیم؟

نظری زاده (به احسان): تو می‌گی ما اشتباه می‌کنیم؟ **احسان:** من می‌گم اونها (کشورهای پیشرفته) در کنار تمام اشتباهاتشون پیشرفت هم داشته‌اند. منظور من اصلاً تکنولوژی نیست. منظورم تغییر سلیقه بصریه.

نظری زاده: خب نمونه‌ش زها حدیده دیگه؛ کتاب طراحی لباس عروس و ... داره. همه چیز رو در کنار هم داره.

احسان: یه خونه قدیمی که مامان بزرگ من داشته در زمان خودش، هم سلیقه معمار اون بوده و هم سلیقه عمومی جامعه. اما الان دیگه اینجوری نیست. ما معمارها توی دانشکده یه باید و نبایدهایی رو برای خودمون معین می‌کنیم که ما رو تحت سلطه قرار می‌ده. اینو باید چه کار کنیم؟!

نظری زاده: الان معمار توی ایران قدرت نداره. برای همین همیشه سلیقه دیگری غالبه؛ مهندس عمران و ... «پردیس سینمایی» تقریباً جز معدود پروژه‌هاییه که از اول تا آخرشو یه معمار طراحی کرده، که اونم تقلید ۱۰۰٪ است. **علی:** تقلید اشکالی نداره.

مریم: البته یه قشری از معمارهای صاحب‌نظر هم در جامعه وجود دارن. اما توی سلیقه عمومی جامعه تأثیر

